

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده : ش. حمید

۱۷ فبروری ۲۰۱۳

اشعار بر گزیده زنده یاد "داوود سرمد"

(چهار)

## خشک مغز

ای شیخ خشک مغز  
ای بی خبر که در قفس تنگ ذهن تو  
مرغ شکسته بال و پر اعتقاد تو  
در دانه های وسوسه واضطراب و بیم  
منقار می زند  
تا چند پرده های فریبنده خیال  
مانند سایه ها  
در پیش چشم تو دیوار می زند  
تا چند می پزی  
در کارگاه مغز تب آلود خویشتن  
پندار خام را  
تا چند می کنی  
بیهوده زمزمه  
در کنج های معبد فرسوده کهن  
در گوش سایه ها  
پندار خام را  
ای شیخ خشک مغز  
ای بیخبر ز راز نهان در کلام نغز  
من نیز همچو تو

یک عمر پیش پای خدا سجده کرده ام  
بایک جهان خلوص و صفا سجده کرده ام  
تا آن که عاقبت  
تاریک خاتمه های خیالم فروغ یافت  
آن وعده های پوچ و فریبنده را همه  
یکسر دروغ یافت  
در گوش هوش من  
افسانه بهشت و جهنم دگر مخوان  
کهنه بساط شعبده بازی پوچ را  
از پیش چشم من  
جای دگر کشان  
زیرا که من دگر  
بی باورم به تسبیح به دستان خرقه پوش  
بی باورم به کور تمیزان کند هوش  
بی باورم به وهم  
بی باورم به پوچ  
بی باورم به هیچ  
آن جوی های شیر  
آن چشمه های شهد  
در روضه بهشت  
ارزانی تو باد  
آن حور های مست  
آن چلچراغ های فروزان زرنگار  
آن میوه های خشک و تری را که چیده اند  
در خوان وهم تو  
مهمانی تو باد  
اما هزار بار  
افسوس من زدل  
بر این همه  
یک بار چشم خویشتن  
ای شیخ باز کن  
تا نیک بنگری که اینجا جهنم است  
در کوچه های غربت این شهر مسکنت  
کانون صد مرض  
چندین هزار پیر و جوانش زغم تباه

صد ها هزار کودک معصوم و بیگناه  
در موج های آتش و خون غوطه می زنند  
در سنگلاخ رنج  
بار هزار  
آری !  
اینجا جهنم است  
باید که روز ها  
باید که سالها  
باید که عمر ها  
در کوره های سرخ تپیدن بسی گداخت  
تا آنکه زین جهنم سوزان بهشت ساخت  
تکرار می کنم  
باید از این جهنم سوزان بهشت ساخت

" سرمد "